



A Critique of the Prevailing Approach for Combating Economic Crimes; Passing the Security Approach

Sakineh Khanalipour Vajargah 

Assistant Professor, Faculty of Social Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. E-mail: khanalipour@soc.ikiu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Manuscript Received:
31 January 2024
Final revision received:
8 June 2024
Accepted:
7 September 2024
Published online:
10 December 2024

Keywords:
crime against security,
criminalization,
economic crime,
expertise,
security approach,
specialized approach

ABSTRACT

The purpose of this research is to show the defect in the prevailing approach for combating economic crime. This research with descriptive-analytical method seeking to answer the question of what approach should be taken to combat economic crimes? The findings show that the prevailing security approach to combat these crimes through broad and vague criminalization and the strict provisions has caused that it will be difficult extradition and return of assets. Also, in some cases, combating is emotional. So that economic crime is identified as crime against security. In order to fight these crimes perfectly and adopt a suitable approach towards, it is necessary to pay attention to the role of the government as one of the factors of crime, the typology of economic crime perpetrators and the widespread effects they leave behind. Therefore, it is suggested that the governing approach to fight against these crimes be changed from a security approach to a specialized approach. And therefore, a differential criminal policy based on expertise should be implemented that its actors have the necessary expertise in different stages of investigation, prosecution and trial.

Cite this article: Khanalipour Vajargah, Sakineh. (2024) "A Critique of the Prevailing Approach for Combating Economic Crimes; Passing the Security Approach", *Criminal Law and Criminology Studies*, 54 (1): 153-178, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98401>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98401>



نقدی بر رویکرد حاکم بر مبارزه با جرائم اقتصادی؛ گذر از نگاه امنیتی

سکینه خانعلی پور واجارگاه 

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. رایانامه:

khanalipour@soc.ikiu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

هدف از این پژوهش نشان دادن ایرادات رویکرد حاکم بر مقابله با جرم اقتصادی است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی درصدد پاسخگویی به این پرسش است که چه رویکردی باید برای مبارزه با جرائم اقتصادی در پیش گرفت؟

یافته‌ها نشان می‌دهند که رویکرد امنیتی حاکم بر مبارزه با این جرائم از طریق جرم‌انگاری موسع و مبهم و پیش‌بینی سازوکارهای سختگیرانه موجب شده است که بازگرداندن اموال ناشی از جرم و اشخاص مرتکب به کشور دچار مشکل شود. همچنین در مواردی همچون زدگی در نوع برخورد با مرتکبان دیده می‌شود؛ به گونه‌ای که جرم اقتصادی در هیأت جرمی امنیتی شناسایی می‌شود. به‌منظور مبارزه شایسته با این جرائم و اتخاذ رویکردی مناسب نسبت به آن لازم است به نقش دولت به‌عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم، تب‌شناسی مرتکبان جرم اقتصادی و آثار گسترده‌ای که بر جای می‌گذارد، توجه داشت. از این رو پیشنهاد می‌شود که رویکرد حاکم بر مبارزه با این جرائم از رویکرد امنیتی به رویکردی تخصصی تبدیل شود و بر این اساس، یک سیاست کیفری افتراقی مبتنی بر تخصص تعبیه شود که کنشگران آن در مراحل مختلف تحقیق، تعقیب و دادرسی از تخصص لازم برخوردار باشند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۱۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۷

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۹/۲۰

کلیدواژه‌ها:

تخصص،

جرم اقتصادی،

جرم‌انگاری،

جرم علیه امنیت،

رویکرد امنیتی،

رویکرد تخصصی

استناد: خانعلی پور واجارگاه، سکینه (۱۴۰۳). نقدی بر رویکرد حاکم بر مبارزه با جرائم اقتصادی؛ گذر از نگاه امنیتی. *مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی*، ۵۴ (۱)، ۱۷۸-۱۵۳. DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98401>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.98401>

۱. مقدمه

جرم اقتصادی دربرگیرنده جرائم مختلفی از جمله جرائم مالیاتی، جرائم بانکی، جرائم بورسی، قاچاق کالا و ارز و... است؛ این جرم با توجه به آثار متعددی که بر جای می‌گذارد و میزان مال موضوع جرم، سطوح مختلفی می‌یابد که به صورت خرد و کلان دسته‌بندی می‌شود. البته در این خصوص که امکان تحقق جرم اقتصادی خرد وجود دارد، اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد و برخی بر آن‌اند که جرائم پیش‌گفته هنگامی در قالب جرم اقتصادی قرار می‌گیرند که مال اندک نباشد و ویژگی اصلی آن کلان بودن است^۱ و به همین دلیل از جرم مالی به جرم اقتصادی که در واقع نظام اقتصادی^۲ را متأثر می‌سازد، تغییر ماهیت می‌دهد. با این حال، نظر مخالف نیز به چشم می‌خورد.^۳

جرائم اقتصادی به گستره متنوعی از فعالیت‌ها گفته می‌شود که ضد اقتصاد ارتکاب می‌یابد (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴). در واقع، می‌توان گفت جرائمی علیه نظم عمومی اقتصادی هستند که موجب منحرف یا حتی نابود کردن و تخریب سازوکارهای تنظیمی اقتصادی و بازار می‌شوند (روستایی، ۱۳۸۸: ۱۳؛ جعفری، ۱۳۹۹: ۱۱). در این زمینه جرم اقتصادی را می‌توان دسته‌ای از جرائم علیه تمامیت اموال عمومی و دولتی دانست که سبب ایجاد اختلال در نظام اقتصادی کشور در سطح کلان می‌شود و با خارج ساختن امور اقتصادی از مجرای صحیح و سالم خود، به دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان توسط عده کمی از اشخاص یا مقاماتی منجر می‌شود که به واسطه بهره‌مندی از قدرت سیاسی یا ارتباط با مقامات سیاسی یا سوءاستفاده از منابع اطلاعاتی و سیاسی و اقتصادی و طرق مختلف دیگر دارای امکان و موقعیت تحصیل ثروت نامشروع از اموال عمومی یا دولتی یا از فرصت‌های غیرقانونی و تبعیض آمیزند (عامری، ۱۳۹۸: ۱۲). چند رکن اساسی در این تعریف وجود دارد؛ نخست، موضوع این جرم است که اموال عمومی و دولتی را در برمی‌گیرد؛ دوم، نتیجه حاصله که باید به اختلال در نظام اقتصادی کشور یا دارا شدن غیرعادلانه و تحصیل ثروت‌های کلان منجر شود؛ سوم، شرایط و اوضاع و احوال جرم است که کلان بودن و وجود مرتکبان صاحب قدرت یا ثروت یا نفوذ را می‌توان برشمرد.

فارغ از میزان تقید دولت‌ها به این تعریف در خصوص جرم اقتصادی، آنچه محور این رفتار را تشکیل می‌دهد، پیوند آن با اقتصاد است. بدین ترتیب در جرم اقتصادی باید ارتباطی با نظام اقتصادی برقرار شود. همان‌گونه که به زعم یکی از نویسندگان هر عملی که به خلل رسانیدن به

۱. برای دیدن نظر موافق ر.ک: روستایی، ۱۳۸۸: ۱۳؛ نقی پور نصیرآبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۴۳.

۲. نظام اقتصادی به مجموعه‌ای از عناصر، قوانین، مقررات و نهادهایی گفته می‌شود که با هدف تأمین نیازهای مادی یک جامعه با هم مرتبط شده‌اند (کرمی و پورمند، ۱۳۹۱: ۴۵).

۳. ر.ک: حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۳-۲۰۴.

یک نهاد اقتصادی منجر شود، به نحوی که مانع تحقق اهداف نظام اقتصادی شود یا تحقق این اهداف را با مشکل مواجه سازد، اخلال در نظام اقتصادی است (جعفری مسلم و آقابابی، ۱۴۰۰: ۴۱). به همین سبب نیز می‌توان با توجه به بخش‌های مختلف اقتصاد یک کشور موضوعات و عرصه‌های ارتکاب جرم اقتصادی را مشخص کرد. طبق تقسیم‌بندی کلاسیک اقتصاد را در سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات بررسی می‌کنند.^۱ بر این اساس، جرم‌انگاری در این حوزه می‌تواند دربرگیرنده دو دسته از جرائم باشد؛ جرائم اقتصادی علیه مقررات دولتی، مانند فعالیت‌های مجرمانه علیه اقتصاد دولتی (بانک، بازار، رقابت) یا بودجه عمومی (مالیات، گمرک) و جرائم حوزه کسب‌وکار و تجارت که به‌طور معمول توسط صاحبان حرفه‌های تخصصی و از طریق نقض قانون در روابط تجاری مانند رویه‌های ضد رقابتی، سوءاستفاده از اعتماد، حسن نیت و... ارتکاب می‌یابد (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تحت تأثیر تحول اشکال جرائم و شیوه‌های ارتکاب آن، با اقتباس از مواد ۱ و ۱۳ «قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد»، اصطلاح «جرائم اقتصادی» را بدون تعریف، در ماده ۱۰۹، در کنار جرائم علیه امنیت و جرائم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر به‌کار برد و ضمن خارج ساختن این جرائم از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و مرور زمان، مصادیق آن را در تبصره ماده ۳۶ همین قانون برشمرده و آن را شامل کلاهبرداری و جرائم سیزده‌گانه احصاشده در تبصره این ماده دانسته است. جرائم مذکور، اغلب تخصصی و تقریباً منطبق با ویژگی‌هایی است که برای این جرائم در نظر گرفته می‌شود.^۲ با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی و بند «ب» ماده ۱۰۹ باید گفت به‌نظر می‌رسد که در نظام حقوقی ایران یکی از ویژگی‌های جرم اقتصادی، کلان بودن یا به تعبیری چیزی بیش از یک جرم ساده مالی است.^۳ بدین ترتیب قانونگذار به این سمت تمایل پیدا کرده است که نصابی برای مال موضوع جرم قرار دهد و آن را به‌عنوان معیاری برای شناسایی جرم اقتصادی در نظر گرفته است. این امر به استناد تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا. قابل توجه است. اگرچه ممکن است این معیار تا اندازه‌ای قابل نقد باشد و شاید به همین دلیل نیز در ماده

۱. بخش اول، شامل استخراج و تولید مواد خام مثل؛ ذرت، زغال‌سنگ، چوب و آهن است؛ از این رو کشاورزی، جنگل‌بانی و ماهیگیری مربوط به بخش اول اقتصاد هستند. بخش دوم، شامل حمل‌ونقل مواد اولیه خام یا تولید کالا از مواد میانی است، برای مثال ساخت خودرو از فولاد و لباس از پارچه. بخش سوم، شامل فراهم‌آوردن خدمات به شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان است، برای مثال بازرگانی، بانکداری، بیمه، حمل‌ونقل، ارتباطات، فعالیت در دستگاه‌های خصوصی یا دولتی، نگهداری از کودکان و سینما در بخش سوم اقتصاد کار می‌کنند (چگینی و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۹۴).

۲. می‌توان برای این جرائم ویژگی‌های زیر را برشمرد: بزه‌دیده حقیقی، ورود ضرر به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی از طریق سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات و رقم سیاه بالا.

۳. برای دیدن نظر موافق ر.ک: مهدوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵.

۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز این جرم با هر میزانی، اقتصادی دانسته شده است که خود با پیش‌بینی جرم قاچاق کالا و ارز در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا. قابل تأمل است و به‌نوعی آن را تخصیص زده است.

اما، در جرم اقتصادی در ایران حتی با فرض وجود نصاب معینی برای شکل گرفتن آن، سطح‌بندی دیگری نیز به چشم می‌خورد. به استناد «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور»، برخی از صور رفتارهای مجرمانه در حوزه اقتصاد می‌تواند وصف اخلال در نظام اقتصادی کشور را پیدا کند. در این خصوص ماده ۳۰ «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز» نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین این دسته از جرائم در فروعی سطحی بالاتر از اخلال در نظام اقتصادی کشور را پیدا می‌کنند و برخی از صور در قالب افساد فی‌الارض به استناد ماده ۲۸۶ ق.م.ا. و به‌عنوان یک جرم علیه امنیت قرار می‌گیرند. بدین‌ترتیب، جرمی مالی با توجه به شرایطش می‌تواند در یکی از چهار سطح خرد، جرم اقتصادی، اخلال در نظام اقتصادی و افساد فی‌الارض قرار گیرد که قسم آخر آن بیشترین چالش را از منظر حقوقی و اجرایی رقم می‌زند. از این‌رو این پرسش‌ها قابل طرح است که چه رویکردی باید برای مبارزه با جرائم اقتصادی در پیش گرفت. آیا جرم اقتصادی اساساً می‌تواند یک جرم علیه امنیت باشد؟ می‌توان هم مرتکب جرم اقتصادی شد و هم جرم امنیتی؟ لازم است که برای مبارزه شایسته با جرائم اقتصادی نوع آن را تغییر داد و به‌گونه‌ای برخی مصادیق آن را در زمره جرائم علیه امنیت قرار داد؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا لازم است نگاهی به رویکرد موجود در مبارزه با جرم اقتصادی انداخت و جلوه‌های سطح‌بندی چهارگانه نسبت به جرم اقتصادی در نظام حقوقی و آثاری که بر آن مترتب است، تبیین شود تا در مرحله بعد بتوان با توجه به ویژگی‌های کلیدی که برای این رفتارهای مجرمانه و مرتکبان آنها برشمرده می‌شود، توقف بر رویکرد موجود یا ضرورت گذر از آن بیان شود.

۲. جلوه‌های رویکرد امنیتی به جرم اقتصادی و آثار ناشی از آن

جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی متأثر از بحران‌های پیش‌آمده در جامعه در مقام پاسخگویی به انتظارات عمومی در مقابله با این بحران‌ها بوده است (خانعلی پور و اجارگاه، ۱۳۹۷: ۹۸-۱۰۰) که دلیل این امر به‌طور معمول دخالت دادن احساسات در تصویب قانون و عوام‌زدگی است. در بیشتر کشورها، جرم‌انگاری در حوزه فعالیت‌های اقتصادی، بیانگر نوعی واکنش سیاسی به دغدغه‌های جمعی در مورد رفتارهای نابهنجاری است که از طریق تبلیغات رسانه‌های جمعی در کانون توجه مخاطبان قرار می‌گیرند (سمعی‌زنور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۸). همان‌طور که در خصوص جرم‌انگاری‌های موضوع «قانون اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور»، قانونگذار در شرایط

نابسامان اقتصادی پس از جنگ و با استناد به مطالبات و انتظارات مردم برای چاره‌جویی معضلات اقتصادی، با توسل به راهکارهای کیفری، درصدد آرام کردن افکار عمومی پریشان بود (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۲). بنابراین، گرایش به سختگیری کیفری پیرامون جرم اقتصادی در تبدیل ماهیت اقتصادی بزه ارتكابی به جرم علیه امنیت با مبنا قرار دادن قصد مرتکب مشهود است. گفتنی است هنگام تصویب این قانون، ساماندهی اوضاع نابسامان کشور پس از جنگ و شرایط سخت معیشتی مردم سبب شد قانونگذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد شده، مقرر کند که هریک از اعمال مذکور در ماده ۱ این قانون در صورت وجود قصد ضربه زدن به نظام و مقابله با آن اگر در حد افساد فی‌الارض باشد، مجازات اعدام خواهد داشت (نجفی‌ابرنادادی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۱). البته این رویکرد در ماده ۲۸۶ ق.م.ا. و استجازه رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری برای تشکیل شعب ویژه جرائم اقتصادی^۱ به چشم می‌خورد. از نظر برخی، پیش‌بینی مجازات اعدام و گسترش دامنه افساد فی‌الارض در سیاست کیفری تقنینی بیانگر تمایل قانونگذار به محدود کردن اختیارات قضات در تعیین مجازات‌های اندک در حوزه جرم اقتصادی است (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۶).

یکی از دلایل رواج این نگاه و گاه بدیهی‌انگاری آن این است که مسائل اقتصادی به معیشت مردم ارتباط می‌یابد و در هر دوره‌ای مسائل اقتصادی به گونه‌ای رخ می‌نماید. البته ممکن است اهمیت اقتصاد در این روزگار به دلیل تفوق کلی مکاتب اقتصادی بر سایر مکاتب باشد. از این‌رو در کشورها این امر قابل پذیرش است که باید جرائم اقتصادی با سختگیری و جدیت دنبال شود و کمتر نسبت به این افراد تساهل به خرج می‌دهند. از این‌رو این جرائم معمولاً تحت شمول قواعد و احکام خاصی قرار می‌گیرد که برخی از آنها تحت تأثیر نگاه امنیت‌محور به این جرائم است که نمودهای مختلفی در سیاست کیفری و اجرایی کشورها پیدا کرده است.

۲.۱. جلوه‌های رویکرد امنیتی به جرم اقتصادی

در پیش گرفتن هر رویکردی جلوه‌هایی در سیاست کیفری برجای می‌گذارد که توجه به آنها امکان ارزیابی دقیق‌تری را فراهم می‌آورد. در پیش گرفتن رویکرد امنیتی به جرم اقتصادی نیز جلوه‌های متعددی داشته است که می‌توان مهم‌ترین آنها را ذیل شیوه‌های جرم‌انگاری و برخی سازوکارها در برخورد با آنها قرار داد.

۱. در مقدمه استجازه به این موضوع اشاره شده است که دلیل چنین درخواستی «شرایط ویژه اقتصادی که نوعی جنگ اقتصادی محسوب می‌شود» است. به‌منظور چرایی و چگونگی شکل‌گیری این نگاه ر.ک: خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۴۰۰: ۴۳-۴۵.

۱.۲.۱. جرم‌انگاری‌های موسع و مبهم

یکی از بارزترین جلوه‌های نگاه امنیتی به جرم اقتصادی را می‌توان در نوع و شیوه جرم‌انگاری این رفتارها مشاهده کرد؛ در این زمینه درهم‌تنیدگی جرم و تخلف که موجب باریک شدن مرزهای تخلف و جرم می‌شود، شایان ذکر است. به‌گونه‌ای که ممکن است یک تخلف ارزی شخص را در معرض ارتکاب یک جرم سنگین اقتصادی در حد اخلال در نظام اقتصادی کشور قرار دهد.

استفاده از عبارات مبهم مانند کلان و عمده و... که بیش از همه در قانون مجازات اخلالگران به چشم می‌خورد و حتی خود واژه اخلال قابل تفسیر است، به‌طوری‌که بدون وجود یک معیار قانونی به‌سختی می‌توان تشخیص داد که چه رفتاری محل نظام اقتصادی است (شعبانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱). توضیح آنکه، در جرائم علیه امنیت گاه از عبارات مبهم و کشدار بهره برده می‌شود که در جای خود قابل نقد است، اما در جرم اقتصادی با توجه به وجه تخصصی آن، این ادبیات جایگاهی ندارد و باید تا حد امکان از عبارات دقیق استفاده کرد، زیرا وجود این واژگان و عبارات مبهم، سبب تفاسیر متفاوت قضایی و صدور آرای متعارض در موارد مشابه می‌شود. بنابراین، خلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات و اصل شفافیت قانون است.^۱ از دیگر جلوه‌های ذیل جرم‌انگاری، ذکر تمثیلی رفتارهاست که این مورد هم در قانون اخلالگران مشهود است. عبارت‌هایی چون «و امثال آن» یا «نظایر آن» در بندهای ماده ۱ موجب می‌شود که عنصر مادی قضایی شهروندان و نیز اصل قانونی بودن را مخدوش کرده است، زیرا مطابق اصل مزبور افراد باید قادر به سنجش و ارزیابی رفتار خود باشند و بتوانند با اطلاع از جرم و مجازات از ارتکاب عمل مجرمانه خودداری کنند. حال آنکه ذکر چنین عبارتی راه را برای اعمال سلیقه و تشتت آرای قضایی و در نهایت از بین رفتن امنیت قضایی شهروندان باز می‌گذارد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱). بر این اساس، قانونگذار بر مبنای ضابطه عمده یا فراوان یا گسترده بودن مجازات‌هایی از شش ماه حبس تا اعدام را برای مرتکبان اخلال در نظام اقتصادی در نظر گرفته است. حال آنکه، لازم است که در تعریف جرم و شناسایی اوصاف آن تا حد ممکن از ملاک‌های عینی که برای همه قابل فهم است، استفاده و از مبتنی کردن احراز جرائم بر ملاک‌های ذهنی و پیش‌بینی‌ناپذیر پرهیز شود. در صورتی که رویکرد فعلی مقنن راه را برای اعمال سلیقه و تشتت آرای قضایی که در برخی موارد می‌تواند سبب مجازات‌های ناروا و سلب آزادی‌های مشروع گردد، باز گذاشته است

۱. ر.ک: جعفری، قاسمی و ترابی، ۱۳۹۸: ۱۶-۱۷.

شایان ذکر است که تعریف معیار کلان و عمده و تعیین حدود و ثغور آن در قانون، در هنگام تصویب، دغدغه برخی نمایندگان مجلس نیز بوده است. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۰۴/۲۷.

(چگینی و سیاه‌بیدی کرمانشاهی، ۱۳۹۸: ۹۹؛ خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲). به‌ویژه آنکه، در تفاسیری اخلال را جرم خطر می‌دانند و نه ضرر و بر این اساس، احتمال ایجاد خلل کافی است که می‌تواند خطرناک باشد. البته، به موجب تبصره ماده ۱ قانون پیش‌گفته، برای تشخیص کلان و عمده قاضی می‌تواند به مراجع ذی‌ربط مراجعه کند و نظر آن مرجع را جلب کند. اما، ارجاع به این مراجع و کارشناسان با چند ایراد مواجه است؛ نخست، مراجع موضوع این تبصره، اغلب شاکی یا نهادهای کاشف یا گزارش‌دهنده هستند. بنابراین، اگر بنا باشد که اظهارنظر کارشناسی به این افراد واگذار شود، می‌تواند موجب تعدی و تعرض به حقوق اشخاص باشد و به‌نوعی اصل بی‌طرفی نقض شود. دوم، این شیوه می‌تواند با اصل استقلال قضایی به‌دلیل لزوم استعلام از کارشناسی و همچنین حقوق متهم منافات داشته باشد، زیرا اگرچه استعلام از نظر کارشناس امری مفید است و هیچ قاضی در امور تخصصی از گرفتن نظر کارشناس بی‌نیاز نیست، اما در امور موضوعی و حقوقی و تشخیصی و احراز جرم نمی‌تواند از استعلام استفاده کند و از کارشناس نظر بخواهد.^۱ افزون بر این می‌تواند به تفسیرهای چندگانه و سلیقه‌ای منجر شود (الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۳۰). سوم، بر اساس اصول قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها و شفافیت در قوانین کیفری قانونگذار باید شفاف مقصود خود را بیان کند تا تکلیف افراد و حوزه مجاز و غیرمجاز رفتاری مشخص باشد. بنابراین، رفتار و نتیجه مدنظر قانونگذار برای تشکیل این عنوان مجرمانه باید به‌صراحت ذکر شود. بهره بردن از این شیوه جرم‌نگاری، این رویکرد را تقویت می‌کند که رهیافت امنیت‌گرا بر گفتمان قانونگذار برای مبارزه با جرائم اقتصادی حاکم شده است.^۲

۱.۲.۲. پیش‌بینی سازوکارهای سختگیرانه

در منظومه سیاست کیفری کشورها عوامل متعددی می‌توانند در کنار هم آن سیاست را کامل کنند. بنابراین، نگاه صرف به نوع جرم‌نگاری و کیفرگذاری برای بررسی و فهم سیاست‌های کیفری کافی نیست و لازم است به سایر سازوکارهایی که حلقه تکمیل‌کننده این سیاست در کنار جرم‌نگاری و کیفرگذاری است، توجه شود. این سازوکارها شیوه اجرای سیاست کیفری را تعیین می‌کنند و بر اثرگذاری جرم‌نگاری‌های صورت‌گرفته می‌افزایند یا از آن می‌کاهند. از این‌رو درک کامل از سیاست کیفری در هر حوزه‌ای درگرو کشف و درنظرگرفتن این موارد است؛ از جمله سیاست‌های قانونگذار در به‌کار بستن نهادهای ارفاقی، تعیین شیوه‌های دادرسی ویژه، شیوه‌های اکتشافی خاص و... .

۱. برای دیدن نظر مخالف ر.ک: جعفری مسلم و آقابابایی، ۱۴۰۰: ۴۵.

۲. در این خصوص ر.ک: حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۲.

از مهم‌ترین نمودهای رویکرد امنیتی در حوزه مقررات ماهوی جانبی، پیش‌بینی محدودیت‌هایی است که نسبت به مرتکبان جرائم اقتصادی در مقایسه با سایرین در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله ممنوعیت نهادهای ارفاقی^۱ نظیر تعلیق مجازات، تعویق صدور حکم یا مرور زمان. این اقدام اگرچه خود کیفر مجزایی تلقی نمی‌شود اما، رنج ناشی از کیفر را افزایش می‌دهد و به تبع سیاست سختگیرانه‌تری نسبت به این مرتکبان مستقر می‌کند.

بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا در مقابل جرائمی که از اهمیت خاصی برخوردار است، در مقایسه با سیاست کیفری سایر جرائم، سیاست کیفری پیشگیرانه‌تر، سختگیرانه‌تر و بازدارنده‌تری تعبیه می‌کنند (آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۴۳-۲۴۴). فرایندهای دادرسی ویژه با به کار بستن سازوکارهایی نظیر رسیدگی به صور مهم این جرائم در دادگاه انقلاب، عدم تجدیدنظرپذیری، کاهش مدت زمان تجدیدنظر، انتشار اسامی محکومان به ارتکاب این جرائم^۲، محدود شدن حق انتخاب وکیل در موارد مهم یا عدم دسترسی یا دشواری دسترسی به تمامی اوراق پرونده از نمودهایی است که ذیل نگاه امنیتی به این جرائم تبیین می‌شود که از منظر برخی نویسندگان، بیش از آنکه اقدامی منطبق بر معیارهای علمی تلقی شود، نشان از غلبه مصلحت‌اندیشی قانونگذار در اتخاذ سیاست مزبور دارد.^۳

علاوه بر مقررات ماهوی جانبی و فرایندهای دادرسی ویژه، برخی از سازوکارهای مقرر در مرحله کشف جرم نیز می‌تواند نمودی دیگر از سیاست‌های مقابله‌ای با جرائم باشد. در جرائم اقتصادی کلان در ایران دو نهاد مهم به عنوان ضابط در این پرونده‌ها مشخص شده‌اند که هر دو از نهادهای امنیتی‌اند؛ وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه. این گزینش می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که مهم‌ترین دلایل آن پیوستگی برخی از پرونده‌های کلان اقتصادی با مسئله امنیت ملی و کاربست فشارهای اقتصادی در قالب تحریم است که امنیت خارجی کشور را در معرض تهدید قرار می‌دهد. ارتکاب جرائم اقتصادی در این سطح می‌تواند توجیه‌گر ورود ضابطان امنیتی باشد و از این حیث دیگر نمی‌توان این رفتارها را در قالب جرم اقتصادی قرار داد. نمود ورود رویکردهای امنیتی به جرم اقتصادی در مواردی است که تمامی جرائم اقتصادی کلان فارغ از تأثیرات امنیتی، در صلاحیت این ضابطان قرار گرفته است. از این رو، از نمودهای این نگاه

۱. مواد ۴۷ و ۱۰۹ ق.م.ا. و تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور و بند ۸ استیجازه ۱۳۹۷.

۲. در این خصوص تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ ق.آ.د.ک. سال ۱۳۷۸ نیز شایان توجه است.

۳. همچنین ر.ک: حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۲۵.

۴. همچنین ر.ک: نقی پور نصیرآبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۴۹-۲۵۰.

در مرحله کشف جرم اعطای ضابطیت در مصادیق کلان جرائم اقتصادی به وزارت اطلاعات^۱ و سازمان اطلاعات سپاه است که نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در ساختار کشور محسوب می‌شوند و به این دلیل شکل گرفته‌اند. این انتصاب هرچند در مواردی به دلیل تخصص و مهارت‌های نیروهای این نهادها می‌تواند موجب افزایش دقت شود، اما به‌واقع هر جرم اقتصادی کلانی نمی‌تواند به‌عنوان یک رفتار علیه امنیت تلقی شود. به‌ویژه آنکه در حال حاضر پلیس‌های تخصصی مانند پلیس مبارزه با جرائم اقتصادی در فرماندهی انتظامی شکل گرفته است که تقویت پلیس‌های تخصصی و ارتباط میان آنها با پلیس بین‌الملل برای کشف و تعقیب متهمان این رفتارها، می‌تواند آثار مثبتی بر روند پرونده داشته باشد.

۲.۲. آثار رویکرد امنیتی به مبارزه با جرائم اقتصادی

اتخاذ هر رویکردی آثاری را به‌همراه دارد که برخی از آنها می‌تواند موجب کاهش کارآمدی و اثربخشی آن رویکرد شود و حتی در مواردی آن رویکرد را در نقطه مقابل اهداف خود قرار دهد. توجه به آثاری که از یک رویکرد برجای می‌ماند، ارزیابی دقیق‌تری از آن به‌دست می‌دهد. واقع، ارزیابی واقع‌بینانه از هر رویکرد مستلزم بررسی آثار آن است. رویکرد امنیتی به جرم اقتصادی نیز آثار مهمی از خود برجای گذاشته است که مهم‌ترین آنها را می‌توان در دو دسته فنی و رویکردی بررسی کرد.

۲.۲.۱. ناتوانی در بازگرداندن اشخاص مرتکب یا اموال ناشی از این جرائم از خارج از کشور

با عنایت به نوع تعاملات کشورها با یکدیگر، قرائت امنیتی از یک جرم اقتصادی و تبدیل آن به جرم علیه امنیت می‌تواند مانع جدی برای برگرداندن مرتکبان این جرائم و اموال خارج‌شده از کشور باشد، زیرا ممکن است برخی جرائم علیه امنیت در برخی کشورها با عنوان جرم سیاسی^۲

۱. بند «ب» ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳، ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ و بند «ب» آن و تبصره ۱ ماده ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰.

۲. یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل مربوط به استرداد، استثنای جرائم سیاسی است؛ زیرا توافق کمی در مورد مصادیق جرم سیاسی وجود دارد و دولت‌ها از اختیار عمل شایان توجهی در این خصوص برخوردارند (میلانی و مهرخش، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶) و می‌توانند به‌طور یکجانبه در مقابل دولت متقاضی در مورد سیاسی بودن طبع جرائم مورد تقاضا تصمیم بگیرند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۷۵). در موافقت‌نامه‌های استرداد نیز از عبارات متفاوتی استفاده شده است که بر پیچیدگی این موضوع می‌افزاید. برای نمونه، در بند ۱ الف از ماده ۳ قانون استرداد موافقت‌نامه مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی، مصوب ۱۳۸۹، از جرائم سیاسی استفاده شده است. حال آنکه در موافقت‌نامه میان ایران و قطر، جرائم مرتبط با جرم سیاسی و در موافقت‌نامه بین ایران و بلاروس عبارت جرائم دارای ماهیت سیاسی به‌کار رفته است.

شناسایی شود و این امر با بهانه‌هایی مانند عدم رعایت اصول ماهیتی استرداد (عدم رعایت اصول عادلانه و رعایت موازین حقوق بشر) به عدم استرداد منجر می‌شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۸۶). افزون بر این کیفرهای سنگینی که برای این رفتارها پیش‌بینی می‌شود، مانع دیگری برای استرداد این مجرمان است. این امر در مواردی که کیفر سالب حیات به‌دنبال داشته باشد، برجسته‌تر می‌شود.^۱ حال آنکه در جرائم اقتصادی و ذیل کنوانسیون‌های مهمی چون کنوانسیون مریدا کشورها برای استرداد اشخاص مرتکب و اموالشان به هم کمک می‌کنند.^۲ ناتوانی در بازگرداندن این اشخاص و اموال با توجه به اهمیت بازگرداندن اموال در جرائم اقتصادی کلان، سبب تضییع بیت‌المال می‌شود. در صورتی که اگر مرتکب جرائم اقتصادی یا فساد اقتصادی محسوب شوند، با توجه به رویه‌های بین‌المللی امکان استرداد این افراد و حتی معاضدت قضایی به‌نحو مطلوب‌تری فراهم می‌شود.

مسئله دیگری که موجب دشواری بازگرداندن اموال و گام نهادن در راستای برطرف کردن سریع‌تر آثار جرائم اقتصادی کلان می‌شود، محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی است که برای مرتکبان این جرائم در قوانین و اسناد مختلف پیش‌بینی شده است. همان‌گونه که یکی از نموده‌های واضح رویکرد حاکم بر این جرائم، محرومیت‌هایی است که در مواد ۴۷ و ۱۰۹ ق.م.ا. و تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاک‌گران و بند ۸ استیفاء ۱۳۹۷ پیش‌بینی شده^۳ و اعمال هرگونه تخفیف و مداخلات با این مرتکبان را ممنوع کرده است. با این حال باید توجه داشت که یکی از نکات محوری در مبارزه و پیشگیری از جرائم این حوزه، دستیابی سریع به مرتکبان و همچنین شناسایی سایر مرتکبین از طریق افراد شناسایی و دستگیر شده است، زیرا این جرائم معمولاً به‌سختی شناسایی و کشف می‌شوند و یکی از مناسب‌ترین راه‌ها به این منظور، یاری‌گرفتن از خود متهمان و شرکای جرم است. اما به‌دلیل کیفرهای سنگین و عدم امکان برخورداری از هرگونه تخفیفی در عمل امکان چانه‌زنی و توافق میان مقامات تحقیق و مرتکب از بین می‌رود.^۴ در صورتی که می‌باید مشوق‌هایی در قالب معافیت، تعلیق یا تخفیف کیفر پیش‌بینی شود تا آنها گرایش به همکاری پیدا کنند. این امر به کشف سریع‌تر حقیقت و شناسایی سایر شرکا، کشف آلات و ادوات و اموال ناشی از جرم یا به‌کاررفته برای ارتکاب جرم مؤثر است. حال آنکه چنین محرومیت‌هایی راه همکاری این دسته از مرتکبان را سد می‌کند. بنابراین، آثاری که

۱. ماده ۴ از معاهده نمونه استرداد مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد حق رد درخواست استرداد را در مواردی که کیفر پیش‌بینی شده، اعدام است در نظر گرفته است.

۲. در این خصوص ر.ک: مقدمه و مواد ۱ و ۴۴ کنوانسیون مریدا.

۳. به‌منظور بررسی این مقررات ر.ک: رضایی، ۱۴۰۱: ۳۷-۳۹

۴. برای دیدن نظر موافق ر.ک: آیت و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۴.

از نظر فنی بر رویکرد امنیتی به جرم اقتصادی وارد است، راه را برای رسیدن به اموال برده‌شده و اشخاص مرتکب دشوار می‌کند و همین امر موجب تضییع اموال عمومی می‌شود.

۲.۲.۲. هیجان‌زدگی در برخورد با جرائم اقتصادی

برجسته کردن برخی از جرائم و ایجاد انتظار برای برخوردهای جدی و سریع نسبت به آنها موجب اغراق یا بزرگنمایی در برخی پرونده‌ها یا صوری از این جرائم می‌شود که حاصل آن هیجان‌زدگی کنشگران از جمله قانونگذار، قاضی، مجری و ضابط است که موجب دوری از رویکردهای علمی و تخصصی خواهد شد و مبارزه صحیح با این جرائم را مخدوش می‌سازد؛ رخدادی که در خصوص جرم اقتصادی و اتخاذ رویکردهای امنیتی نسبت به آن نیز واقع شده است. هنگامی که رویکردهای امنیتی وارد حوزه‌های تخصصی می‌شود، در عمل نمی‌توان امید داشت که با آن همچون سایر مقولات تخصصی برخورد کرد و این هیجانات ناخودآگاه، کنشگران را به جریاناتی می‌کشاند که مجبور به پذیرش و همراهی با آن می‌شوند، زیرا اگر آن را نپذیرند، احتمالاً به تساهل متهم خواهند شد. حال آنکه، مهم است که خارج از یک فضای هیجان‌زده در این خصوص سیاست‌گذاری، تقنین و برخورد صورت پذیرد. در برخی از پرونده‌هایی که احکام شدید اشتباهی صادر شده است، باید همین جریان و جو را بر آن حاکم دانست. این امر می‌تواند به اعمال سختگیری‌های مضاعف منجر شود.^۱

این امر تا حدی نیز ناشی از عوام‌گرایی کیفری^۲ در عرصه مقابله با این جرائم است.^۳ عوام‌گرایی موجب می‌شود که نظام عدالت کیفری برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی در خصوص ارتکاب جرم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که توجیه علمی ندارند، متوسل شود. چنین رویکردی

۱. در این خصوص قوانین و مقرراتی از روزهای نخست انقلاب دیده می‌شود:

(الف) آیین‌نامه دادگاه‌ها و دادسراهای انقلاب مصوب ۱۳۵۷/۰۳/۲۷ شورای انقلاب: این مصوبه در ماده ۲ در کنار جرائم

مختلف شاید برای نخستین بار صحبت از جنایت اقتصادی می‌کند که از این جهت قابل تأمل است.

ماده ۲- رسیدگی به جرائم زیر در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب اسلامی است:

(۱) قتل و کشتار به منظور تحکیم رژیم پهلوی و سرکوب مبارزات مردم ایران به امریت و مباشرت

(۲) حبس و شکنجه مردم مبارز به امریت و مباشرت

(۳) جنایات بزرگ اقتصادی یعنی غارت بیت‌المال و یا اتلاف ثروت کشور به نفع بیگانگان

(۴) توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران با اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات و جاسوسی به نفع اجانب

(۵) سرقت مسلحانه، تجاوز به عفت، ساختن، وارد کردن یا پخش مواد مخدر

بنابراین، از همان هنگام این امر مورد توجه قرار گرفته است.

2. Penal Populism

۳. در این خصوص ر.ک: دیدا و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۰۳-۸۰۶.

سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شود و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به‌جای واکنش مناسب و سازمان‌یافته، تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی اغلب به نشان دادن شدت عمل بیشتری مجبور شوند تا به سهل‌انگاری متهم نشوند (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۶-۱۴۷؛ الهی‌منش و تقی‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۲-۱۲۳). هرچند که فضای جرم اقتصادی و جو حاکم بر آن گاه بر نسخه کارشناسان و نخبگان نیز مؤثر بوده است. تا جایی که می‌توان گفت نفوذ عوام‌گرایی به حوزه مبارزه با جرائم اقتصادی موجب شده است که سیاست‌زدگی اقدامات بر مؤثر و کارا بودن آن غلبه کند و تأکید نمادین بر مبارزه با این پدیده جایگزین شیوه‌های سنجیده و علمی شود. البته آنچه سبب عوام‌گرا تلقی شدن سیاستگذاری‌ها می‌شود، نه صرف پاسخگویی به آحاد جامعه بلکه استفاده از شعار مبارزه با فساد به‌منظور کسب جایگاه سیاسی و یا مشروعیت بخشیدن به اقدامات در افکار عمومی است (خانعلی پور و اجارگاه، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

یکی از دلایل رخنه عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری در قبال جرائم پوشش رسانه‌ای گسترده است که آن را مستعد پذیرش عوام‌گرایی می‌کند (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۶)؛ آنچه در قبال جرائم جنسی و مواد مخدر و حتی در مواردی جرائم تروریستی رخ داد. از این رو، می‌توان در خصوص جرائم اقتصادی نیز با توجه به پوشش رسانه‌ای که داده می‌شود، انتظار چنین رویکردی را داشت که از ابتدای این فرایند تا مرحله اجرای کیفر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، به‌ویژه آنکه برخی اقدامات به اقتضای برخی حوادث انجام می‌گیرد.

نمونه بارز اقدامات هیجانی مقطعی را می‌توان در طرح مقابله با اخلاف ارزی مشاهده کرد. در سال ۱۳۹۱ وضعیت نابسامان بازار ارز به‌گونه‌ای شد که در بازار تهران و برخی دیگر از مناطق پایتخت اعتراضاتی نسبت به وضعیت آشفته ارزی و تورم روزانه قیمت کالاها صورت گرفت. اختصاص عنوان اصلی بسیاری از مطبوعات به موضوع بحران ارزی در کشور و حساسیت مردم به‌ویژه تولیدکنندگان و فعالان عرصه اقتصاد موجب شد تا علاوه بر دستگیری ده‌ها نفر در اقدامات پلیسی به اتهام اخلاف در بازار ارز، نمایندگان نیز در تلاش برای مهار این بحران در ۱۷ بهمن ۱۳۹۱، به فوریت طرحی رأی دهند که مجازات‌های شدیدی برای اخلاف در بازار ارز از طریق معاملات صوری، سلف‌فروشی، انجام مبادلات ارزی خارج از شبکه و قاچاق پیش‌بینی کرده بود (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۱۲-۲۱۳). این امر با روند کند تصویب قوانین مهم پیشگیرانه‌ای نظیر قانون ارتقای سلامت نظام اداری قابل مقایسه است که خود دال بر توجه به قوانین کیفری و تعجیل در به‌ثمرنشتن آنها و در جهت عکس غفلت نسبت به قوانین ازبیین‌برنده بسترهای رفتارهای مجرمانه اقتصادی است.

در خصوص آنکه لازم است نسبت به کدام رفتارهای مجرمانه برخورد سخت‌تری در پیش گرفته شود، به سیاست و موقعیت کشورها بستگی دارد، اما ورود قواعد جرائم علیه امنیت در جرائم اقتصادی باید همراه با احتیاط باشد. در این جرائم به دلیل پیچیدگی‌هایی که در کشف و اثبات وجود دارد، به‌طور معمول کشورها از مسیرهای سنتی گذر می‌کنند و همین مسئله نیز موجب شکل‌گیری جرائم مادی صرف، با سوءنیت مفروض یا حتی قلب بار اثبات دعوا و... شده است. اما در جرائم علیه امنیت با وجود سیاست‌های سختگیرانه، کمتر این قواعد دیده می‌شود. بنابراین، چنین سیاست‌گذاری موجب می‌شود هم از برخی اصول که حتی در جرائم علیه امنیت رعایت می‌شود، عدول شود و هم سختگیری‌های این دسته از جرائم نسبت به جرائم اقتصادی اعمال شود. این نگاه می‌تواند برخی از اصول دادرسی عادلانه و اسلامی را به محاق برد. نگاهی به آثار رویکرد امنیتی نسبت به جرائم اقتصادی، می‌تواند مسئله مهم گذر از این نگاه را مطرح کند. اگرچه در ابتدا این امر چالش‌ها و پرسش‌هایی به‌همراه خواهد داشت، اما دلایل پراهمیتی وجود دارد که گذر از این نگاه یا لزوم بازنگری در آن را موجه می‌نماید. به‌ویژه آنکه مطابق بند ۴ سیاست‌های کلی نظام در خصوص تأمین امنیت اقتصادی، «نظارت، رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق و روشن و تخصصی باشد».

۳. چرایی بازنگری در رویکرد حاکم بر مبارزه با جرائم اقتصادی

یکی از دشوارترین پرسش‌ها در حوزه حقوق کیفری این است که شیوه صحیح برخورد با جرائم چگونه است؟ آیا باید با همه جرائم یکسان برخورد کرد یا نیاز است به رویکرد و سازوکارهای متفاوتی اندیشید؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها می‌باید به چند مسئله مهم توجه داشت که برخی به گونه‌های جرم، برخی به تیپ‌شناسی مرتکبان و بخشی نیز به موضوع جرم ارتباط می‌یابد. در واقع، هر جرمی ویژگی‌های خاصی دارد که همین ویژگی‌ها نیز چراغ راه گزینش یک رویکرد نسبت به آن است. برای مبارزه با جرم اقتصادی نیز باید به این ویژگی‌ها توجه داشت. جرم اقتصادی در عصر حاضر تهدیدی جدی برای نظام اقتصادی و در برخی موارد نظام سیاسی به‌حساب می‌آید، به‌ویژه آنکه مجرمان اقتصادی دارای سازگاری اجتماعی و خطرناکی بالا برای جامعه هستند و ماهیت رفتار آنها گاه سبب اخلاص گسترده برای اقتصاد و حتی درموردی بروز مشکلات امنیت ملی می‌شود (رضایی، ۱۴۰۱: ۷۰). اما برای مقابله با این جرائم نیازی به تغییر ماهیت آنها نیست، بلکه به یاری دولت قانونمند، کارآمد و شفاف می‌توان امنیت اقتصادی ایجاد کرد. آنچه بیشتر جرائم اقتصادی، فقر و تبعیض را فراهم می‌سازد، ناامنی اقتصادی است (نورزاد، ۱۳۸۹: ۴) که می‌تواند ریشه در اقدامات خود دولتمردان داشته باشد (نجفی‌توانا و ابراهیم‌پور، ۱۴۰۰:

۱۰۴). از این رو نگاهی به مؤلفه‌هایی نظیر زمینه‌های ارتکاب این جرم، برخی از ویژگی‌های مرتکبان آن و موضوعات جرم اقتصادی ضرورت گذر از رویکرد کنونی را برجسته می‌کند.

۳. ۱. دولت، عامل پنهان جرم اقتصادی

جرائم اقتصادی مشتمل بر رفتارهای متفاوتی در سطوح مختلفی‌اند که در کنار زمینه‌های مشترک، هریک زمینه‌های خاص خود را نیز دارند. نکته مهمی که باید در این حوزه به آن توجه داشت این است که بخشی از جرائم اقتصادی و به‌ویژه جرائم کلان تا اندازه‌ای در گرو سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها یا اقدامات نهادهای اقتصادی دولتی است و در کشورهایی که سیاست‌های اقتصادی دچار فراز و نشیب‌های مختلفی است، زمینه ارتکاب این رفتارها بیشتر فراهم هست. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت اگر کسی مرتکب این رفتارها نشود، جای تعجب دارد. از این رو گاه ساختار نظام اقتصادی کشور و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران این حوزه خود عامل برجسته‌ای برای ارتکاب این رفتارهاست. در این موارد باید با توجه بیشتری نسبت به این مرتکبان تصمیم‌گیری کرد. به‌ویژه آنکه در مواردی این مرتکبان در واقع مجری سیاست‌های دولت یا نهادهای دولتی بوده‌اند.

در واقع، برخی از تهدیدات مهم اقتصادی به اقدامات دولت مربوط می‌شود و شاید بتوان آن را مهم‌ترین تهدید دانست. نحوه مدیریت منابع و نظام عرضه و تقاضا و سوددهی که از جانب دولت صورت می‌گیرد یا نظارت می‌شود، میزان امنیت اقتصادی را نیز مشخص می‌سازد. هر قدر دولت اقتصاد را در انحصار داشته باشد، آسیب‌های وارده به نظام اقتصادی بیشتر خواهد بود. هنگامی که عرصه‌های کلان اقتصادی در اختیار دولت باشد، بیش از سایر کنشگران در ایجاد بی‌نظمی‌های اقتصادی مؤثر است؛ امری که به‌عنوان یکی از عوامل مهم جرم اقتصادی کمتر به آن توجه می‌شود و از این رو می‌توان از آن تعبیر به زمینه پنهان کرد.

۱. در این خصوص شواهد پرورنده وحید مظلومین و شرکای آن شایان توجه است. به‌گونه‌ای که سخنگوی قوه قضائیه وقت در چندین نوبت درباره پرونده وحید مظلومین و همدستانش از ارتباط داشتن این افراد در سال‌های فعالیت مخربشان با بانک مرکزی خبر داده است. به گفته ایشان: «در جریان نوسانات ارزی سال ۹۱ بانک مرکزی و حراست بانک مرکزی اعلام کردند که کارهای این فرد با نظر و هماهنگی آنها بوده است». به گفته اژه‌ای، این حمایت و درخواست آزادی این افراد در جریان دستگیری آخر هم از سوی بانک مرکزی مطرح شده بود که این بار مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در جای دیگری وی با اشاره به نقص در سیستم توزیع ارز توسط بانک مرکزی و سوءاستفاده برخی افراد و صرافی‌ها که از طرف بانک مسئول عرضه و تنظیم بازار ارز شده بودند اما خود عامل به‌هم ریختن بازار شدند، خطاب به مسئولان بانک مرکزی می‌گوید: «اگر خبر داشته‌اید پس کارتان نقض غرض است و کنترل بازار نیست و اگر بگویید خبر نداشته‌ایم، باید پرسید با چه مکانیزمی او را نظارت می‌کردید؟».

معاون اول دستگاه قضا با اشاره به دستگیری‌های ماه‌های اخیر می‌گوید: «بعضی از این افراد با حکم قضایی توسط نیروی انتظامی دستگیر شدند که برخی از آنها ادعا دارند که ما با هماهنگی بانک مرکزی اقدام کرده‌ایم. الان یکی از بحث‌ها این

به همین سبب نیز برخی استدلال کرده‌اند که مرتکبان رفتارهای مغایر با قانون یا مجرمان اقتصادی عوامل فرعی هستند و سیاست مشدد دولت در مبارزه با این اشخاص به این دلیل است که بر قسمتی از تهدیدات و ناکامی‌های اقتصادی که خود مسبب آن است، با متهم‌سازی دیگران، سرپوش گذارد (نورزاد، ۱۳۸۹: ۹). در واقع، به‌زعم این گروه دولت برای سرپوش گذاشتن بر کم‌کاری‌ها و سیاست‌های نادرست خود با مرتکبان این جرائم با شدت بیشتری مقابله می‌کند.

این موضوع هنگامی برجسته‌تر می‌شود که ارتکاب جرم اقتصادی به‌ویژه در موارد بسیار کلان از سوی اشخاص حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی ارتکاب می‌یابد. در پرونده‌های جرائم اقتصادی که در کشور مشهور شده نیز می‌توان به انتساب ارتکاب این رفتارها به گروه‌های مختلفی مانند «گروه آریا» یا «عظام» اشاره کرد. ارتکاب جرم اقتصادی از سوی اشخاص حقوقی به‌گونه‌ای است که از نظر برخی حقوقدانان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم این حوزه به‌عنوان قاعده پذیرفته شده است (جعفری، ۱۳۹۹: ۴۹). به‌ویژه آنکه در امور اقتصادی ورود تصدی‌گرایانه اشخاص حقوقی دولتی بیش از سایر عرصه‌هاست. هرچند اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی دولتی همچنان دشواری‌های خود را دارد. اما انتساب جرم به این اشخاص امکان‌پذیر است. همان‌گونه که در قانون مجازات اسلامی نیز تنها مسئولیت کیفری در رفتارهایی که در راستای اعمال حاکمیتی انجام می‌شود^۱ منتفی شده است. بنابراین، در سایر موارد، هر شخص حقوقی حتی دولت نیز می‌تواند مرتکب رفتارهای مجرمانه شود. ازاین‌رو، باید بتوان در برابر نقض قوانین دولت و ایجاد فساد، دولت را نیز محکوم کرد و برای آن ضمانت اجرای مناسب پیش‌بینی کرد (نورزاد، ۱۳۸۹: ۳۵-۳۴). به‌طور کلی، خطر جرائم اقتصادی وقتی با سیاست آمیخته می‌شود، دوچندان می‌شود. یکی از شیوه‌هایی که برخی از نهادهای اقتصادی برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی نامشروع خود برمی‌گزینند، حمایت اقتصادی از برخی احزاب و دولت‌ها است. همین امر موجب می‌شود که پس از به قدرت رسیدن آن حزب یا دولت، فضای مناسبی برای فعالیت گروه‌های پشتیبان خود فراهم می‌آورند و به این ترتیب، این نهادهای اقتصادی با قرار گرفتن در جریان قدرت سیاسی، از امتیازات اقتصادی بیشتری در مقایسه با رقبای تجاری خود بهره می‌برند. ازاین‌رو امکان دارد این افراد علاوه بر جرائم مالی و اقتصادی مرتکب جرائم سیاسی نیز بشوند (بنسون و سیمپسون، ۱۳۹۱: ۲۹۹). بدین ترتیب دولت از چند حیث می‌تواند عامل

است که آیا این مسئله مورد تأیید بانک مرکزی هست یا خیر؟ چون برخی از افراد بانک مرکزی الان بر مرتبط بودن برخی از افراد دستگیرشده با بانک مرکزی تأکید کرده‌اند و حتی تقاضا کرده‌اند که فلانی را آزاد کنید؛ با ما بوده است؛ قابل‌دسترس‌تر:

<https://www.pishkhan.com/news/117533>

۱. تبصره ماده ۲۰ ق.م.ا.

ارتکاب جرم اقتصادی باشد؛ با وضع قوانین و در پیش گرفتن سیاست‌های اقتصادی نادرست، ارتکاب جرم در اجرای اعمال تصدی و فراهم کردن زمینه برای حامیان مالی خود.

۲.۳. تیپ‌شناسی مرتکبان جرائم اقتصادی

مرتکبان جرم اقتصادی افرادی باهوش هستند که می‌توانند جرم خود را مخفی و به‌رغم ظاهر موجهشان، بیشترین آسیب را وارد می‌کنند. بنابراین، تیپ‌شناسی مختص خود را دارند. مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در تغییر رویکرد مبارزه با این مجرمان باید به آنها توجه داشت، نخست هنجارمندی ظاهری و متخصص بودن و دوم حساسگری آنهاست.

۳.۲.۱. هنجارمندی ظاهری و برخورداری از دانش

از مجرمان اقتصادی به قانوندانان قانون‌شکن تعبیر می‌شود، چراکه از قانون به‌خوبی آگاهند، در کشورهایی نظیر ایران به مناسبات شرعی نیز واقف‌اند و از همین طریق نیز می‌کوشند تا ظاهری مطلوب داشته باشند.^۱ این هنجارمندی ظاهری کارکرد مهمی برای آنها دارد و موجب حفظ موقعیت شغلی و اعتباری و حتی ارتقای آنها، دور کردن تردیدها و به‌تبع آن کاهش نظارت، تعقیب و محاکمه می‌شود. بدین ترتیب، بسترهای مناسبی برای ارتکاب جرم و تحصیل عواید و منافع از قتل رفتارهای مجرمانه برای آنها فراهم می‌آورد (نورزاد، ۱۳۸۹: ۷۴). بنابراین، اغلب مرتکبان این جرائم اشخاصی با منابع شایان توجه و موقعیت‌های بالا هستند که برای انجام معاملات خود دلایلی به‌ظاهر موجه و قانونی دارند و فعالیت‌هایشان در ابتدا هیچ سوءظنی را برنمی‌انگیزد. ازاین‌رو در طبقه‌بندی بزه‌کاران، مجرم اقتصادی در ردیف افراد یقه سفید قرار می‌گیرد. حال آنکه تأثیر این جرائم و میزان خسارت‌های برجای‌مانده کمتر از جرائمی نظیر قتل نیست.^۲ باید گفت مرتکبان این جرائم که در دسته جرائم تزویرآمیز قرار می‌گیرند، به‌خوبی از امتیاز تزویر در رفتارهای مجرمانه خود بهره می‌برند. امتیاز تزویر برای فاعل آن این است که وی چهره ستیزه‌جو به خود نمی‌گیرد. ضمن اینکه چنانچه فرد مقابل به گفته‌های دروغ وی اعتماد کند، متوجه حمله نخواهد شد و در نتیجه یا دفاع نخواهد کرد یا حداقل بسیار دیر به دفاع متوسل خواهد شد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که به‌کار بردن تزویر و دروغ در جریان مبارزه، موجب صرفه‌جویی در قدرت می‌شود (گسن، ۱۳۹۲: ۴۶). افزون‌بر این، باید گفت که مرتکبان جرائم اقتصادی، سود هنگفتی از فعالیت مجرمانه خود به‌دست می‌آورند، به شکل کامل از جهانی شدن

۱. در این خصوص می‌توان به مرتکب جرم اقتصادی مشهور آقای خاوری اشاره کرد که رفتارهای درون ایران و خارج از ایران ایشان در فضای عمومی جوامع ایران و کانادا این دوگانگی رفتاری را به‌وضوح نشان می‌دهد.

۲. برای دیدن نظر موافق ر.ک: روستایی، ۱۳۸۸: ۲۳ و ۲۸.

اقتصاد سود می‌برند و گستره فعالیت خود را در سطح جهان توسعه می‌دهند، در بسیاری از موارد نیز به شکل سازمان‌یافته عمل می‌کنند و در این چارچوب در سایه اطلاعاتی که دارند از تمام خلأهای نظام حقوقی و بازار استفاده می‌کنند. وضعیت برخی بزهکاران اقتصادی از جمله کسانی که دارای منصب دولتی و قدرت هستند، متفاوت از بزهکاران عادی است. خطر این دسته به لحاظ جایگاه‌های مهمی که در اقتصاد، مدیریت و سیاست دارند، بیشتر است. البته برخی از بزهکاران اقتصادی دارای قدرت نیستند، اما به لحاظ اطلاعاتی که دارند، برای جامعه خطرناک‌اند.^۱ آنان از ابزار و وسایل برآمده از سایر علوم، نه فقط برای نقض قوانین، بلکه برای از بین بردن آثار اقدامات مجرمانه خود بهره می‌برند؛ اطلاعات و دانشی که متولیان تعقیب و نظارتان فاقد آن هستند (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۵۶ (پاورقی)).

باید توجه داشت که جرائم اقتصادی در بستر زندگی روزمره مردم ارتکاب می‌یابد و همین امر بنا به اقتضائات خود، اطلاعات و دانشی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که در ارتکاب جرائم از آنها استفاده می‌شود. بدین ترتیب می‌توان گفت که جرم اقتصادی مستلزم داشتن اطلاعات و دانش اقتصادی، تجاری یا مالی است (بجر و کلوز، ۱۳۸۶: ۱۳۴). در این مورد می‌توان به جرائم ارتكابی در حوزه تجارت الکترونیک یا جرائم مربوط به بازار بورس و اوراق بهادار اشاره کرد که مرتکب باید با ریزه‌کاری‌های تخصصی این حوزه‌ها آشنا باشد تا بتواند مرتکب جرم شود. بنابراین، مرتکبان این جرائم، اشخاصی هستند که با تسلط کامل بر استلزامات و موازین شغلی و حرفه‌ای و به تبع آن، آگاهی از پیامدها و نتایج زیانبار نقض مقررات اقتصادی، نظم و امنیت اقتصادی جامعه را مختل می‌سازند (آیت و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۳-۲۵۴).

می‌توان گفت، مجرمان اقتصادی به سبب وجود شرایط و نیز بستری که با هنجارمندی و اعتمادسازی فراهم می‌کنند، زمینه مستمر جرم را ایجاد می‌کنند. به همین دلیل به صورت حرفه‌ای مرتکب جرم می‌شوند و می‌کوشند به مهارت برسند. این هنجارمندی نتیجه چند امکان مهم است؛ داشتن دانش لازم، برخورداری از اطلاعات مهم و قرار گرفتن در جایگاه‌های اثرگذار. بنابراین، خوی مجرمانه و مهارت‌های بالا در ارتکاب جرم در کنار هنجارمندی ظاهری، خطر آنان را برای جامعه و نظام اداری و اقتصادی در مقایسه با سایر مجرمان بیشتر می‌کند و ریسک دستگیری را نیز کاهش می‌دهد. وجود چنین ویژگی‌هایی موجب می‌شود که در برخی از انواع جرائم اقتصادی وجود سوءنیت، مفروض انگاشته می‌شود یا بار اثبات دعوا تغییر می‌کند یا جرائمی با مسئولیت مطلق شکل می‌گیرد.

۱. ر.ک: اسدی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۲ و ۱۳۷.

۲.۲.۳. حسابگری مرتکب

از مهم‌ترین ویژگی‌های مجرمان اقتصادی، محاسبه‌گری و منفعت‌طلبی اقتصادی آنها است. اغلب مرتکبان جرائم اقتصادی، بدون قصد ضربه زدن به نظام سیاسی کشورها و تنها به منظور کسب درآمد و سود مالی، دست به ارتکاب این رفتارها می‌زنند. به‌ویژه آنکه، در موارد کلان از بین رفتن نظام سیاسی چندان هم مطلوب این مرتکبان نیست، زیرا در این ساختار می‌توانند رفتارهای مجرمانه خود را راحت‌تر مرتکب شوند که ناشی از ساختار موجود سیاسی و اقتصادی یا افراد ذی‌نفوذی است که به تحقق اهداف و آمال این مرتکبان یاری می‌رسانند. بنابراین، حفظ نظامی که در آن موفق به ارتکاب جرائم اقتصادی شده‌اند، حتی می‌تواند به نفع این مرتکبان باشد. بنابراین، رکن روانی لازم برای تشکیل جرم علیه امنیت اغلب مفقود است.

این امر ریشه در تیپ‌شناسی رفتارها و مرتکبان این جرائم دارد. مرتکبان این جرائم افرادی حسابگرند که بیش از همه به دنبال سود اقتصادی خود هستند. در ایران، عدم مداخلت مقابله با نظام جمهوری اسلامی در تحقق جرم اخلال در نظام اقتصادی کشور و افساد فی‌الارض مورد توجه دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها^۱ و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز قرار گرفته و یکی از نمایندگان مجلس سوم در فرایند تصویب «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» در صحن علنی مجلس اظهار کرده است «ما تصور می‌کنیم که تمامی کسانی که در این کشور اخلال در نظام اقتصادی مرتکب می‌شوند، آدم‌های ضدانقلاب و... هستند. این افراد هیچ مخالفتی با نظام ندارند و تنها به دنبال پول هستند. به دنبال سودجویی و منفعت مادی است. می‌خواهد درآمد کلان نامشروعی را به دست بیاورد و ما هم می‌خواهیم با او مقابله کنیم...» (مشرح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹).

بنابراین، اگرچه بزهکاران جرائم اقتصادی به دلیل ویژگی‌های تخصص، آگاهی به قوانین و مقررات و وصل بودن به قدرت یا ثروت از بزهکاران عادی متمایزند، اما از مرتکبان جرائم علیه امنیت نیز متفاوت‌اند. مرتکبان جرائم امنیتی بزهکاران ایدئولوژیکی هستند که با ارزش‌های خاصی دست به ارتکاب رفتارهای مجرمانه می‌زنند و به دلیل ایدئولوژی‌هایی که دارند، می‌خواهند با یک کشور مقابله کنند یا اجیرشده یک جریان ایدئولوژیک دیگرند. بنابراین، آنچه این مرتکبان را به این سمت هدایت می‌کند، انگیزه‌ای ایدئولوژیک است و کمتر به دنبال انگیزه‌های مالی یا

۱. ر.ک: رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۸۶/۰۷/۲۴؛ دادنامه شماره ۱۴۰۱۶۸۳۹۰۰۱۶۲۲۱۸۲۴ مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۹ شعبه بیست‌وششم دادگاه انقلاب اسلامی تهران؛ دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۱۵۱۲۶۰۰۴۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۸ شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی ساری؛ دادنامه شماره ۱۴۰۱۰۶۳۹۰۰۰۵۲۴۱۶۲ مورخ ۱۴۰۱/۷/۲۳ شعبه بیست‌وششم دیوان عالی کشور.

کسب سود از این راه هستند.^۱ اما، واقع امر این است که در جرائم اقتصادی چنین انگیزه‌ای مفقود است. بررسی پرونده‌های اقتصادی که در کشور واقع شده و شنیدن و خواندن اظهارات متهمان نیز چیزی غیر از این را می‌رساند. بنابراین، باید میان آنها تفاوت قائل شد و نمی‌توان به صرف اینکه فرد قصد کسب سود دارد و بدون کشف مقاصد بعدی وی، به جرم مهم امنیتی محکوم شود. در واقع، نباید این‌گونه استنتاج کرد که چون قصد ارتکاب جرم تولیدی را داشته، پس قصد اخلال در نظام اقتصادی و یا مقابله را هم داشته است. البته شایان ذکر است که برخی معتقدند جرائم اقتصادی را باید جرائم مادی صرف تلقی کرد که نیازی به اثبات برخورداری این مجرمین از عنصر روانی نباشد، چون مقدمه لازم قصد مجرمانه، علم به مجرمانه بودن رفتار ارتكابی است و چنین علمی در این طیف از مرتکبان به سبب ماهیت فنی جرائم اقتصادی محرز است (سماواتی پیروز، ۱۳۹۰: ۶۶۱). به همین دلیل در برخی از جرائم تخصصی، گاه سوءنیت مفروض به خدمت گرفته می‌شود، اما این سوءنیت نباید موجب شود که رفتاری مجرمانه از یک دسته جرائم به دسته دیگری تغییر ماهیت دهد. در واقع، مجرمان اقتصادی با توجه به حسابگری خود دست به ارتکاب جرم می‌زنند و در مواردی که سود ناشی از ارتکاب جرم بر ضرر آن غلبه داشته باشد، به سویی جرم گرایش پیدا می‌کنند.

۳.۳. گسترده‌گی موضوعات و آثار جرم اقتصادی

همان‌گونه که مرتکب جرم اقتصادی با سایرین متفاوت است و تیپ‌شناسی ویژه خود را دارد، جرم اقتصادی نیز ویژگی‌های مختص به خود را دارد؛ این جرم بسیار پویاست (زمانی و اعظمی مقدم، ۱۳۸۹: ۹۹) و به سرعت خود را با شرایط جدید بازار منطبق می‌کند. این پویایی و انطباق ناشی از ابزار و وسایل فنی و فناوری‌های نوین به مرتکبان اجازه می‌دهد تا به فعالیت‌های خود جنبه بین‌المللی بخشند و بیش از پیش سازمان‌یافته شوند و حوزه وسیع‌تری را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین نشان از ظرفیت بالای آنها در انطباق با تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی و... دارد. از این رو کلان بودن مهم‌ترین ویژگی جرم اقتصادی است و جرائمی را باید اقتصادی دانست که کل کشور یا بخشی از آن را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع با ویژگی کلان بودن است که این جرم از انواع دیگر جرم مانند جرم مالی متمایز می‌شود. به دلیل همین ویژگی نیز می‌تواند به اقتصاد ملی یا بخشی از آن آسیب وارد کند. کلان بودن به سه حالت قابل تصور است؛ نخست، موضوعی که جرم بر آن واقع می‌شود که می‌تواند موضوعات متنوعی را دربرگیرد. دوم، دامنه رفتارها در مکان‌های مختلف برای مثال چند شهر یا استان یا حتی کل کشور. حالت سوم، آثار و

۱. در صورتی که جرم اقتصادی با انگیزه مادی و اقتصادی ارتکاب می‌یابد (زمانی، ۱۳۸۸: ۵۲).

عواقب جرم به گونه‌ای گسترده باشد که زندگی مردم را مختل و امنیت اقتصادی را با تهدید مواجه سازد (رضایی، ۱۴۰۱: ۸۲).

با توجه به گستردگی حوزه‌های اقتصادی، موضوع جرم در این جرائم متنوع است. اموال مردم یا دولت، اعتماد عمومی، سلامت نظام اداری و نظام تولید و توزیع می‌تواند موضوع این جرم قرار گیرد. هرچند که در اغلب موارد موضوع مستقیم جرائم اقتصادی، اموال عمومی و دولتی است. حتی ممکن است در یک رفتار مجرمانه اقتصادی چند موضوع مطرح باشد و از همین رو نیز برخی برای جرائم اقتصادی دو موضوع مستقیم و غایی قائل‌اند (نورزاد، ۱۳۸۹: ۶۶) که غایت این رفتارها به نوع نظام اقتصادی-سیاسی کشورها ارتباط می‌یابد. از این منظر امنیت اقتصادی یا نظام اقتصادی موضوع غایی در این جرائم است. اما با عنایت به حوزه‌های متنوع جرم اقتصادی، موضوعات این جرائم نیز مختلف‌اند. هرچند گوناگونی موضوعات به تعریف جرم اقتصادی در هر نظام کیفری مربوط می‌شود.

باید توجه داشت که جرم اقتصادی به شدت از شرایط محیطی که آن را احاطه می‌کند، متأثر می‌شود. از این رو میان گونه و میزان جرائم اقتصادی با نظام سیاسی و اقتصادی حاکم رابطه مستقیم وجود دارد. چنانکه اشکال بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و...) و فضای کسب و کار بر اساس نوع نظام سیاسی-اقتصادی حاکم تغییر می‌کند. بر همین اساس، در آمریکا بیشتر از جرائم شرکت‌ها (بخش خصوصی)، در کشورهای سوسیالیست از جرائم کارکنان (بخش عمومی)، در کشورهایی که درآمد آنها بر مالیات مبتنی است مانند سوئد از جرائم مالیاتی و در ایتالیا از جرم سازمان‌یافته اقتصادی صحبت می‌شود (ابراهیمی و صادق‌نژاد نایینی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). بنابراین، جرائم اقتصادی، به شکل مستقیم یا غیرمستقیم با فاسد کردن نظام اقتصادی-سیاسی، منتج به نقض مصادیقی از حقوق شهروندی از جمله حق برابری در دریافت خدمات خواهد شد. در واقع، مرتکبان جرائم اقتصادی با سوءاستفاده از اعتماد و حسن‌نیت موجود در روابط تجاری، موجب لطمه به اعتماد و اعتبار و نیز امنیت بخش‌هایی از فعالیت اقتصادی می‌شوند. بنابراین، آثار منفی این جرائم تنها به آثار مالی خلاصه نمی‌شود، بلکه با تأثیر بر حوزه‌های مختلف اجتماعی با از بین بردن مشاغل، محیط زیست، بیمه و... منابع انسانی را نیز تهدید می‌کند. مقدمه کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، دامنه این خطر را به دولت‌ها گوشزد کرده است. بدین ترتیب اگرچه تهدیدات و خسارت‌های عینی و مادی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، اما، سایر تهدیدات مانند تعرض به محیط زیست، حیات انسان، انتشار آلودگی‌ها، اقدامات مؤثر در گرم شدن آب‌وهوا و... به مراتب مهم‌تر و پایدارتر است و موجب تخریب منابع اولیه اقتصاد می‌شود.

۴. نتیجه

جرم اقتصادی جرمی تخصصی است که باید برای مقابله با آن به دنبال سازوکار تخصصی بود. از این رو فرایندها باید به صورت تخصصی تنظیم و اجرا شوند. بنابراین، نمی توان آن را به مانند جرمی عمومی بررسی کرد، بلکه باید به آن به مثابه جرمی به موازات سایر جرائم، اما با تخصص و دقت بیشتر نگریست. در خصوص سختگیری نسبت به این رفتارها با توجه به ویژگی های آنها امری قابل پذیرش است، اما آنچه اهمیت دارد، کاهش منفعت این افراد است. در واقع، با توجه به تیپ شناسی مرتکبان جرائم اقتصادی که افرادی سودجو هستند، باید به گونه ای فرایندهای کیفری را تنظیم کرد که از سودشان کاسته و بر هزینه های ارتکاب جرم افزوده شود. از این رو اگر فرایند کیفری به درستی منفعت ها و زیان ها را در این راستا شناسایی نکند، به همان میزان در مبارزه با این افراد شکست می خورد. همان گونه که این مرتکبان به انواع تخصص ها و امکانات مجهزند، لازم است نظام عدالت کیفری نیز این آمادگی را در خود ایجاد کند تا بتواند مبارزه شایسته ای در این خصوص داشته باشد.

نظام کیفری ایران برای مقابله با این جرائم به ویژه مصادیق کلان آن از تخصصی سازی دور شده و به سمت اختصاصی سازی پیش رفته است که ناشی از نگاه خاص حاکم بر سیاست مقابله با این جرائم است. حال آنکه به رغم تفاوت هایی که مرتکب جرم اقتصادی با سایر مرتکبان دارد، مبارزه با آنها نیازمند نگاهی تخصصی است. به ویژه آنکه بخشی از مجرمان اقتصادی، فعالان اقتصادی هستند؛ چراکه بر اساس نظریه فرصت های افتراقی، اشخاص هنگامی می توانند در حوزه ای مرتکب رفتارهای مجرمانه شوند که فرصت بودن در آن حوزه را پیدا کنند. پس فعال اقتصادی می تواند متخلف یا مجرم یا اخلال گر اقتصادی باشد که به منظور کسب سود مرتکب این جرائم می شود.

در پرتو این نگاه، کسی که قصد براندازی دارد، اصلاً مجرم اقتصادی نیست تا به رفتارش در دادگاه های مربوط به جرائم اقتصادی رسیدگی شود. در این موارد، شخص با ابزار اقتصادی مانند ایجاد نوسان در بازار ارز قصد براندازی دارد. همان گونه که ممکن است شخصی از طریق بمب گذاری مرتکب براندازی شود. بنابراین، رکن روائی برای تشکیل جرم اقتصادی حتی رفتار سنگینی نظیر اخلال در نظام اقتصادی به چشم نمی خورد. از این رهگذر، به نظر می رسد در این مورد دیگر نمی توان سخن از جرم اقتصادی زد، بلکه در اینجا اقتصاد و رفتار یا فعالیت اقتصادی روش ارتکاب جرمی علیه امنیت می شود، زیرا موضوع جرم ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا مقابله با آن است که ذیل جرائم امنیتی قرار می گیرد. در واقع، روش ها و ابزار اقتصادی است و با توجه به اهمیت موضوع جرم در مقایسه با ابزار برای دسته بندی رفتارهای مجرمانه، این جرم را باید جرمی علیه امنیت دانست و اصول مربوط به آن دسته از جرائم بر مراحل مختلف

تعقیب، رسیدگی و اثبات حاکم شود. دیگر نمی‌توان از عکس شدن بار اثبات یا سوءنیت مفروض بهره‌مند شد. اما، در حال حاضر در نظام کیفری ایران جرم اقتصادی کلان به جرم علیه امنیت گره خورده است که با توجه به زمینه‌های ارتکاب این جرم و به‌ویژه نقش دولت‌ها در شکل‌گیری جرم اقتصادی، تیپ‌شناسی مرتکبان این جرائم و ویژگی‌های این جرم، این نگاه نمی‌تواند مطلوب باشد.

در واقع، در نگاه مطلوب باید به این مسئله توجه داشت که بخشی از رفتارهای ارتكابی در عرصه‌های اقتصادی در قالب جرم، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از سیاستگذاری‌ها یا قوانین و مقررات مصوب تصمیم‌گیران در کشور ناشی می‌شود و دولت هم می‌تواند زمینه‌های آن را فراهم کند و هم خود بزرگ‌ترین مرتکب آن باشد. تنها در این صورت است که می‌توان به‌طور دقیق در تقابل با مجرم اقتصادی رویکردهای خود را ترسیم و برخورد منصفانه‌تری داشت. اگر این‌گونه باشد که جرم اقتصادی بر انسجام اقتصاد و روند سالم آن خلل وارد می‌کند و از این جهت می‌تواند هم سرمایه‌گذار را در شرایط بی‌اعتمادی قرار دهد و هم بر فقر دامن زند، باید ادعا کرد که دولت‌ها بزرگ‌ترین مجرمان اقتصادی هستند که نوع سیاستگذاری‌ها و تصمیمات آنها برخی را به دام ارتکاب جرم و برخی را به دام فقر می‌کشاند و دولت و کارگزاران آن به‌ویژه در سطوح عالی بیشترین امکان ارتکاب این رفتار را دارند.

در ترسیم یک سیاست مطلوب نسبت به رفتارهای مجرمانه اقتصادی باید چند گزاره مهم را از نظر گذراند:

۱. جرم اقتصادی رفتاری تخصصی است که باید حضور متخصصان از کاشفان و ناظران تا رسیدگی‌کنندگان به آن، جدی گرفته شود. زیرا، فرایند تخصصی تنها از طریق کنشگران تخصصی تحقق می‌یابد؛

۲. بخشی از مرتکبان این جرائم فعالان اقتصادی در سطوح مختلف هستند که به فراخور حضور در فضای اقتصادی درگیر این جرائم شده‌اند. بنابراین، هرگونه پاسخی به این افراد باید فارغ از فعالیت اقتصادی که شروع شده است، داده شود و تا امکان، فعالیت به سمت تعطیلی کشیده نشود؛

۳. بر اساس گونه‌شناسی مرتکبان این جرائم، این اشخاص به‌دنبال کسب سود هستند. از این رو در تعبیه سیاست‌های افتراقی باید به‌دنبال کاهش منفعت این مرتکبان بود و با تنظیم واکنش‌هایی از این جنس با این افراد برخورد کرد؛

۴. گونه‌شناسی این رفتارها نشان می‌دهد که جرم اقتصادی دامنه گسترده‌ای از رفتارها را در برمی‌گیرد که ویژگی مشترک آنها جنبه اقتصادی است. در واقع، موضوع این جرم نظام اقتصادی یا بخشی از آن یا ابزارهای این نظام است. بنابراین، نباید آن را به موضوعاتی نظیر امنیت ملی

و... گرده زد، مگر آنکه هدف مرتکب ضربه به امنیت ملی کشور باشد که در این صورت ماهیت رفتار مجرمانه تغییر می‌کند؛

۵. با توجه به گونه‌شناسی این جرائم و مرتکبان آنان رویکرد افتراقی می‌تواند همراه با استثنائاتی نسبت به اصول کلی نظام حقوقی، رویکردی مطلوب باشد؛ از جمله قلب بار دعوا یا گذر از فرض برائت.

منابع

۱. آیت، سیدعلیرضا؛ پاکزاد، بتول؛ عالی‌پور، حسن؛ صابر، محمود (۱۳۹۸). «توجیه رسیدگی افتراقی برای جرائم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب». پژوهش حقوق کیفری، ۲۸، (۸)، ۲۳۹-۲۶۷.
۲. آیت، سیدعلیرضا؛ عالی‌پور، حسن؛ پاکزاد، بتول؛ صابر، محمود (۱۴۰۰). «معامله اتهام در جرائم اقتصادی؛ امکان‌سنجی و راهبردگرایی». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۵۱، (۵۱)، ۱۵۱-۱۷۹.
۳. اسدی، علی؛ صدیقیان، امیرمحمد؛ زارع‌مهرجردی، علی (۱۴۰۰). «تسری افساد فی‌الارض به جرائم اقتصادی: بسترها و چالش‌ها». فصلنامه مطالعات سیاسی، ۵۱، (۱۳)، ۱۳۹-۱۵۷.
۴. اسدی، علی؛ صدیقیان، امیرمحمد؛ زارع‌مهرجردی، علی (۱۴۰۱). «آثار تسری افساد فی‌الارض به جرائم اقتصادی با تکیه بر ویژگی‌های خاص این جرائم». فصلنامه تحقیقات خصوصی و کیفری، ۵۱، ۱۴۹-۱۲۷.
۵. ابراهیمی، شهرام؛ صادق‌نژاد نایینی، مجید (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرم اقتصادی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۵، (۲)، ۱۴۷-۱۷۴.
۶. «اعدام دو اخلال‌گر بازار سکه و ارز نوبت محاکمه مدیران زمینه‌ساز است»، ۱۳۹۷/۰۸/۲۳، به آدرس: <https://kayhan.ir/fa/news/147081> آخرین بازدید بهمن ۱۴۰۲.
۷. الهی‌منش، محمدرضا، تقی‌زاده، محرم (۱۳۹۷)، «سیاست عوام‌گرایانه در مبارزه با جرائم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس». کارآگاه، ۴۳، (۱۱)، ۱۲۰-۱۳۴.
۸. بچر، ژان‌لوک؛ کلوز، نیکلا (۱۳۸۶). جرم اقتصادی و کنترل آن، برگردان: شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، صص. ۱۴۸-۱۳۳.
۹. بنسون، مایکل ال؛ سیمپسون، سالی اس. (۱۳۹۱). جرائم یقه‌سفیدی: رویکردی فرصت‌مدار. تهران: میزان.
۱۰. جعفری، امین (۱۳۹۹). حقوق کیفری کسب‌وکار. تهران: سمت.
۱۱. جعفری، محمدجواد؛ قاسمی، مسعود؛ ترابی، مینا (۱۳۹۸). «بررسی موارد نقض اصول حقوق کیفری در جرم‌انگاری بغی و افساد فی‌الارض». مجله فقه و تاریخ، ۵، (۵)، ۱۵-۲۴.
۱۲. جعفری‌مسلم، مجتبی؛ آقابابایی، عظیم (۱۴۰۰). «جرم اخلال کلان در نظام اقتصادی کشور در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی». پژوهش‌های حقوقی، ۴۷، (۲۰)، ۵۴-۲۹.

۲۸. سماواتی‌پیروز، امیر (۱۳۹۰). «تأملی بر جرائم اقتصادی از منظر بایسته‌های حقوق جزای اقتصادی». مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی، زمیمه ش ۵۶، ۶۴۵-۶۷۶.
۲۹. سمعی‌نور، حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ صابر، محمود (۱۳۹۵). «تحلیل جرم «اخلال در نظام اقتصادی کشور» از طریق قبول سپرده اشخاص در حقوق ایران». آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، (۱۱)، ۲۷-۵۱.
۳۰. شعبانی، مهدی؛ حاجی‌تبار، حسن؛ اسماعیلی، مهدی (۱۴۰۱). «جرائم اقتصادی در فقه، قوانین ایران و اسناد اروپایی». مطالعات فقه اقتصادی، ۴(۴)، ۲۰-۳۷.
۳۱. صادقی، محمدهادی؛ فروغی، فضل‌الله؛ جودکی، بهزاد(زمستان ۱۳۹۸). «قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی». فصلنامه مطالعات حقوقی، ۴(۱۱)، ۲۵۷-۲۹۱.
۳۲. عامری، آرزو (۱۳۹۸). «حمایت کیفری از نظام اقتصادی نوین». فصلنامه مطالعات نوین بانکی، ش. ۲، دوم دوره، ۱۲۹-۱۵۸.
۳۳. کرمی، محمدمهدی؛ پورمند(نبی‌زاده)، محمد (۱۳۹۱). مبانی فقهی اقتصاد اسلامی. تهران: سمت.
۳۴. گسن، ریموند (۱۳۹۲). جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی(نظریه عمومی تزویر). تحقیق و ترجمه: شهرام ابراهیم، چاپ دوم، تهران: میزان.
۳۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، اجلاس سوم، جلسه ۲۵۹، ۱۳۶۹/۰۴/۲۷.
۳۶. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۳۰۷، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹.
۳۷. مهدوی، محمود؛ ساداتی، سیدمحمد مهدی؛ حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۶). «مبانی جرم‌انگاری جرائم اقتصادی در فقه امامیه». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱(۴)، ۱۱۱-۱۳۴.
۳۸. میلانی، علیرضا؛ مهربخش، خاتون (زمستان ۱۳۹۴). «استرداد مجرمین و معاضدت قضایی». فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، ۱(۱)، ۴۹-۵۶.
۳۹. نجفی‌ابرنادآبادی، علی‌حسین؛ فرجیها، محمد؛ خانعلی‌پور و اجارگاه، سکینه (۱۳۹۶). «مشخصه‌های گفت‌مانی فرایند جرم‌انگاری ارتشاء در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۴)، ۱۵۷-۱۷۷.
۴۰. نجفی‌توانا، علی؛ ابراهیم‌پور، محمدسعید (۱۴۰۰). «جلوه‌های توسعه جرم‌انگاری در حوزه جرائم اقتصادی». فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، ۱(۳)، ۱۲۳-۱۰۳.
۴۱. نقی‌پور نصیرزاده، عباس؛ عالی‌پور، حسن؛ زندی، محمدرضا؛ امرالهی بیوکی، مژگان (۱۴۰۲). «جایگاه نظارت جامعه مدنی در پیشگیری از جرائم اقتصادی در سیاست جنایی ایران؛ چالش‌ها و بایسته‌ها». مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۵۳)، ۲۳۹-۲۶۳.
۴۲. نورزاد، مجتبی (۱۳۸۹). جرائم اقتصادی در حقوق کیفری ایران. تهران: جنگل جاودانه.